روزنه

سیدعلی خمینی با اشاره به برخورد با منافقین:

اگر کسی شمشیر کشید روی نظام باید با آن مقابله کرد

● **جماران:** سیدعلی خمینی در مراسم بزرگداشت شهدای هفتم‌تیر که در مصلای امام جعفرصادق(ع) شهرستان ازنا برگزار شد، با اشاره به وجود ۱۷ هزار شهید ترور در کشور عنوان کرد: امام در این مرحله نیز سکوت اختیار کردند اما دشمنان در مرحله بعدی ترور کور انجام دادند و دست به ترور مردم در خیابان‌ها می‌زدند. امام در این مرحله با نصیحت، از پدرها و مادرها می‌خواستند اجازه ندهند فرزندانشان خراب‌کاری کنند.

امروز عده‌ای برای منافقین دل می‌سوزانند

او ادامه داد: امروز عده‌ای دلسوز شده‌اند که چرا با گروهک‌های ضدانقلاب نظیر منافقین و پژاک مقابله کردند؟ نظام باید قاطعانه با گروهک‌های تروریستی مقابله کند و با همین مقابله بود که کشور روی آرامش را به خود دید. شاید در برخی مقاطع اشتباه‌هایی شده باشد که هیچ‌کس هم منکر آن نیست. می‌گویند چرا با تعدادی- که هرسال هم عدد آنها را افزایش می‌دهند- مقابله کرده‌اید؟ باید گفت برخورد با این افراد کاملا درست بوده چراکه اگر کسی شمشیر کشید روی نظام باید با آن مقابله کرد. شعار اسلام فقط رحمانی نیست، اشداء علی الکفار هم شعار اسلام است.

مدعی نیستیم که صددرصد درست عمل کرده‌ایم

سیدعلی خمینی گفت البته نه من و نه هیچ‌کس دیگر مدعی این نیستیم که نیروهای انقلابی صددرصد درست عمل کرده‌اند و هیچ مورد ظلمی وجود ندارد؛ در همه نظام‌های دنیا هیچ‌کس مدعی نیست که همه احکام صددرصد مطابق واقع است اما اینکه در اصل مقابله با اینها شبهه کنیم و پشیمان باشیم ابدا درست نیست. نوه امام حذف اعتقادی و ترور شخصیت را مرحله سوم مقابله با انقلاب مردمی ملت ایران برشمرد و گفت: وقتی نتوانستند شخصیت‌های مهم نظام را ترور کنند، دست به تخریب شخصیت آنها زدند؛ یکی را دزد، یکی را بی‌دین، یکی را جاسوس و دیگری را خائن به نظام خواندند و متاسفانه در این زمینه هم برخی مسئولان کشور رفتار درستی از خود نشان ندادند.

ادامه در صفحه ۱۹

عکس: مرحوم رسول ملاقلی‌پور

بازخوانی واقعه هفتم تیر

سرچشمه خونین

علی ایوبی: «هر نفسی که می‌کشیدم برابر یک عمر بود، فقط یک حفره کوچک جلو دهانم بود تا بتوانم کمی نفس بکشم. صدای بقیه را خیلی خفیف و دورگه می‌شنیدم که ناله و دعا می‌کردند، یا سراغ بهشتی را می‌گرفتند»؛ این جملات، گوشه‌ای از لحظات سخت مرتضی فضل‌علی، یکی از مجروحان حادثه هفتم تیر سال ۶۰ است؛ روزی که آیت‌الله بهشتی، رئیس قوه قضائیه، به‌همراه عده زیادی ازاعضای حزب جمهوری اسلامی در محل دفتر این حزب در سرچشمه تهران ترور و کشته می‌شوند.

۳۵ سال بعد در همان مکان و به‌جای آن ساختمان فروریخته، یادمانی از شهدای هفتم تیر قرار دارد. از میدان بهارستان که خیابان مصطفی خمینی را به سمت چهارراه سرچشمه برویم، روبه‌روی ماهی‌فروشی‌های معروف آنجا، کوچه صیرفی‌پور و سرای ناهید و مغازه‌های لاستیک‌فروشی است. از همان ابتدای کوچه هم می‌شود مجموعه فرهنگی سرچشمه را دید؛ مجموعه‌ای که توسط سازمان تبلیغات اسلامی اداره می‌شود و مدیریت آن را محمدرضا زائری که روحانی معروفی در حوزه روزنامه‌نگاری است، برعهده دارد.

در کنار ساختمان حزب که فقط یک دیوار از آن باقی مانده و ساختمانی نمادین جای آن را پر کرده، موزه‌ای بنا شده است. مرحوم قدیریان، از فرماندهان سپاه، مسئول ساخت این مکان بوده است، در سال ۹۱ نیز درهای آن روی مخاطبان باز شده است. اینجا دیگر شبیه آن ساختمان قدیم حزب نیست و سالن اجتماعات، سالن گفت‌وگو و حتی مهدکودک هم دارد. درست در پشت یادمان شهدا، رستوران و کافی‌شاپی امروزی ساخته شده است که آماده پذیرایی از مشتریان با انواع غذاهای سنتی و فست‌فود است. حتی بازار روز هم، روبه‌روی یادمان و در کنار مقبره دو شهید گمنام برقرار است. به گفته مسئول موزه، گاهی برخی نمایندگان مجلس هم به‌خاطر نزدیکی اینجا به میدان بهارستان و ساختمان مجلس جلسات خود را اینجا برگزار می‌کنند. از در شیشه‌ای ساختمان و از کنار مسئول حراست که رد شوی، سالنی بزرگ قرار دارد که در ورودی آن تابلویی بزرگ از شهید بهشتی است. سخنی از او هم خودنمایی می‌کند: «کسی که خط دارد، دشمن دارد». در اطراف سالن نیز عکس‌ها و سردیس شهدای این واقعه به نمایش گذاشته شده است. وسایل شخصی بعضی شهدا مانند لباس و کیف آنها در این موزه نگهداری می‌شود. البته به گفته مسئول موزه، نتوانسته‌اند همه وسایل آنها را جمع‌آوری کنند، بعضی از خانواده‌های شهدا همکاری نکردند و بعضی نیز وسایلشان را به جاهای دیگر داده بودند. او جمع‌آوری و پیداکردن وسایل شهدا و بازماندگان را کاری سخت می‌داند. او می‌گوید: در هنگام وقوع انفجار حدود ۱۵۰ نفر در این مکان بوده‌اند که ۷۳ نفر از آنان شهید و ۲۷ نفر هم مجروح می‌شوند که حجت‌الاسلام فردوسی‌پور و مهندس مختارعلیزاده، دو نفر از بازماندگان آن واقعه، نیز بعدها فوت می‌کنند. در آن روز رئیس قوه قضائیه، چهار وزیر، ۱۳ معاون وزیر، یک فرماندار، سه رئیس سازمان، پنج مدیرعامل و ۱۳۰ عضو حزب حضور داشتند. جمع‌آوری و گردآوری یادگارهای آنها کار سختی است.

حکایت تیر ۶۰

آغاز به کار حزب جمهوری اسلامی، ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ است. پنج نفر از اعضای انقلاب با نام آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر و حجت‌الاسلام اکبر هاشمی‌رفسنجانی که به «خمسه طیبه» معروف شده بودند، پایه این حزب را بنا نهادند تا در مسائل سیاسی کشور تأثیرگذار باشند. ریاست حزب را دکتر بهشتی برعهده داشت که بعد از او حجت‌الاسلام باهنر این سمت را برعهده گرفت و بعد از او نیز تا خردادماه سال ۶۶ که با اشاره امام‌خمینی(ره) حزب به کار خود پایان داد، دبیرکلی آن برعهده آیت‌الله خامنه‌ای بود. ارگان رسمی حزب، روزنامه «جمهوری اسلامی» بود که همچنان منتشر می‌شود.

اولین جلسه شورای حزب جمهوری اسلامی، نه در ساختمان این حزب در محله سرچشمه، بلکه در «کانون توحید» در خیابان کندی که بعدها به خیابان توحید تغییرنام داد، برگزار شد. آیت‌الله موسوی‌اردبیلی، از اعضای حزب جمهوری اسلامی، مدیریت کانون توحید را برعهده داشت. اما بعد از مدتی به ساختمان خود در سرچشمه می‌آیند؛ ساختمانی با یک سالن و چند اتاق و یک محوطه روباز که زمین بسکتبال بوده است.

خرداد و تیرماه سال ۶۰، اوضاع سیاسی به‌هم‌ریخته است. ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری عزل شده و دولتی وجود ندارد. بهشتی نیز که ریاست قوه قضائیه را برعهده دارد، ترور و شهید می‌شود. عده‌ای از نمایندگان مجلس هم در این واقعه مجروح می‌شوند که باعث می‌شود نتوانند در جلسات آن شرکت کنند و مجلس تعطیل می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای نیز یک روز قبل از این حادثه در مسجد ابوذر تهران ترور می‌شود. ایشان که در آن زمان امام‌جمعه تهران و نماینده امام در شورای‌عالی دفاع بودند، برای سخنرانی هفتگی خود که در روزهای شنبه برگزار می‌کردند به این مسجد رفته بودند، اما توسط بمبی که در ضبط صوت کنار تریبون او قرار داشت، ترور و به بیمارستان منتقل می‌شوند. جلسات روز یکشنبه هفتم تیر حزب جمهوری اسلامی نیز به‌خاطر مسائل روز تشکیل می‌شود. «مرتضی فضل‌علی» از اعضای حزب که در آن زمان نماینده گرمسار در مجلس بود، در این‌باره می‌گوید: بعد از نماز مغرب که در زمین بسکتبال کنار ساختمان حزب برگزار شد، سریع به داخل سالن اجتماعات رفتیم. قرار بر این بود که در مورد مسائل اقتصادی که در آن زمان بحث مهار تورم بود صحبت شود. بهشتی اوراقی را تهیه کرده بود که سؤالاتی روی آن نوشته شده بود تا توسط آن نظرخواهی کند. شهید بهشتی پشت تریبون می‌رود. آن زمان بنی‌صدر به‌تازگی از ریاست‌جمهوری برکنار شده بود، عده‌ای از شهید بهشتی خواستند دستور جلسه را عوض کند، آنها می‌گفتند الان اولویت بحث ریاست‌جمهوری است و بهتر است راجع به آن حرف بزنیم. دکتر بهشتی هم رأی‌گیری کردند و بحث را عوض کردند.

او لحظه انفجار را این‌گونه توصیف می‌کند: بهشتی کمی درباره مسائل سیاسی صحبت کرد و درباره بنی‌صدر نیز گفت: «باید کاری کنیم که دوباره گزیده نشویم». او یکباره صحبت‌های خود را قطع کرد و گفت «برادران، رایحه دل‌انگیزی به گوش می‌رسد، شما هم احساس می‌کنید؟» به یکباره احساس کردم زنگی نواخته شد و برقی مثل فلاش دوربین از جلوی چشمم عبور کرد. وقتی به هوش آمدم، زیر آوار بودم. ابتدا احساس کردم عرق کرده‌ام؛ اما متوجه شدم که غرق در خون هستم. صندلی‌های حزب فلزی بود که باعث شده بود دسته آن بازوی من را قطع کند. آهنی هم به سینه من فرو رفته بود و دنده‌هایم شکسته بودند. فضل‌علی، پایان این لحظات سخت را این‌گونه تصیف کرد: بعد از مدتی متوجه شدم سروصدای زیادی به گوش می‌رسد. امداد آمده بود و می‌خواستند خاک‌برداری کنند. فشاری که آنها می‌آوردند، باعث شد خاک، دهان من را پر کند که دوباره بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم، در بیمارستان بودم. مرتضی فضل‌علی، اوضاع حساس سیاسی آن هنگام را هم به یاد دارد: مجلس باید تشکیل جلسه می‌داد و نیاز بود که ما هم در آن حضور داشته باشیم. ما را از بیمارستان به مجلس بردند تا جلسه تشکیل شود، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم در آن روز نطق تاریخی جانسوز و زیبایی کرد.

نگذاشتند به مقتل خود بیاییم

بعد از این واقعه محمدرضا کلاهی‌صمدی، عامل این ترور، معرفی می‌شود. کلاهی که از اعضای رده پایین سازمان منافقین خلق بود، توانسته بود خود را درون حزب جمهوری اسلامی نفوذ دهد. کلاهی که در آنجا مسئولیت هماهنگی جلسات را بر عهده داشت، به گفته شاهدان در آن روز بعد از برگزاری نماز جماعت خیلی تلاش می‌کند که اعضای حزب سریع به داخل سالن بروند تا جلسه تشکیل شود.

ادامه در صفحه ۱۹

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● همراه اول همیشه با تبلیغات گوناگونی که دارد، مشتریان را به سمت خود می‌کشاند؛ ولی متأسفانه نمی‌تواند آنها را راضی نگه دارد. من همیشه از بسته‌های اینترنتی استفاده می‌کنم، با شماره *۱۰۰# بسته یک‌ماهه. چهار گیگ با قیمت ۱۲هزار تومان خریداری می‌کنم؛ ولی متأسفانه از این بسته فقط چند روز می‌توان استفاده کرد و دوباره برای من پیامک می‌آید که حجم شما تمام شده و باید دوباره شارژ کنید؛ در غیراین‌صورت به صورت تعرفه عادی محاسبه می‌شود. هر جور که با خودم فکر می‌کنم، می‌بینم هرچقدر هم استفاده کنم، باز بسته به این زودی نباید تمام شود. واقعا از همراه اول می‌خواهم که این موضوع را پیگیری کند.

● مدیران و رؤسایی که از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همچنان در بخش‌های مختلف مؤسسه‌ها به‌عنوان مدیر کار می‌کنند، آیا زمان بازنشستگی آنان فرا نرسیده تا جای خود را به جوانان بدهند؟ چرا مجلس شورای اسلامی طرح به‌کارگیری بازنشستگانی را که دوباره دعوت به کار شده‌اند، تصویب نمی‌کند؟ و چرا رئیس‌جمهوری و سازمان بازرسی به این‌گونه موارد رسیدگی نمی‌کنند؟

علی از تهران

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهیدبهشتی:** براساس گزارش مدیریت مرکز پزشکی، آموزشی و درمانی لقمان حکیم، با توجه به لزوم نظافت در درمانگاه‌ها در دو نوبت آغاز و پایان هر شیفت، بیماران و مراجعان از ساعت ۷:۳۰ تا ۸ صبح به سالن انتظار واحد ترخیص (در مجاورت کلینیک ویژه) هدایت می‌شوند و پس از اتمام نظافت از طریق دری که حدفاصل این دو سالن است به کلینیک مراجعه می‌کنند. در ضمن ساعت فعالیت اکثر کلینیک‌ها از ساعت ۸ می‌باشد.ضمنا در مطلب چاپ‌شده به انتشار گازهای ضدعفونی‌کننده در محوطه بیمارستان اشاره شده است که لازم به توضیح است گازهای ضدعفونی‌کننده در موارد خاص و در فضاهایی همچون اتاق عمل کاربرد دارد که هیچ‌گونه انتشاری در محوطه بیمارستان ندارد.